

## ارزیابی کیفیت زندگی در نواحی روستایی (مطالعه موردی: دهستان خاوه شمالی، استان لرستان)

مهدی پورطاهری\* - استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه تربیت مدرس  
عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری - دانشیار گروه جغرافیا، دانشگاه تربیت مدرس  
احدا.. فتاحی - دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تربیت مدرس

پذیرش مقاله: ۱۳۸۸/۴/۲۳      تأیید نهایی: ۱۳۸۹/۸/۴

### چکیده

قرن‌ها است که مردم به دنبال زندگی خوب بوده‌اند و انسان‌ها پیوسته برای بهبود شرایط زیست خود، کوشیده‌اند تا از استعدادها و توانمندی‌های محیط زندگی خود، به بیشترین میزان و بهترین نحو بهره‌برداری کنند. در این میان همواره مسئله اصلی این بوده است که: زندگی مطلوب چیست؟ تعاریف و شاخص‌های گوناگونی - اعم از عینی و ذهنی - در مورد کیفیت زندگی مطرح شده‌اند، که همین خود ارائه تعریف واحد و مورد پذیرش وفاق جهانی را در شناسایی شاخص‌های مناسب و اندازه‌گیری آنها با مشکل روبه‌رو ساخته است.

در این مقاله سعی شده است که به این پرسش اصلی پاسخ داده شود که ویژگی‌های کیفیت زندگی از دیدگاه جامعه نمونه کدام‌اند، تا از این طریق ابعاد و شاخص‌های کیفیت زندگی تعریف شود و در نهایت مدل مفهومی مناسبی برای تعیین شاخص‌ها و سنجش کیفیت زندگی در مناطق روستایی ارائه گردد. روش پژوهش در تحقیق حاضر، توصیفی - پیمایشی و مبتنی بر تکمیل پرسشنامه است. داده‌های تحقیق از ۱۰ روستای دهستان خاوه شمالی (تمامی روستاهای دارای بالاتر از ۲۰ خانوار انتخاب شده‌اند) به دست آمده، و سپس از طریق تکمیل پرسشنامه نزد ۱۵۰ نفر از سرپرستان خانوارها - که از طریق فرمول کوکران محاسبه شدند - به وسیله نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهند که بر اساس دیدگاه‌های جامعه نمونه، کیفیت آموزش، کیفیت محیط مسکونی، کیفیت محیط فیزیکی، و نیز کیفیت درآمد و اشتغال پایین‌تر از حد متوسط ارزیابی شده‌اند. کیفیت سلامت و امنیت و کیفیت کالبدی جامعه نمونه در حد متوسط ارزیابی شده است؛ و در مجموع از نظر ابعاد کیفیت زندگی دهستان خاوه شمالی، روستاها در دو طبقه قرار می‌گیرند، که در طبقه یک روستاهای کفراج، سراب غضنفر و ایرانشاهی با بالاترین سطح کیفیت زندگی و رضایتمندی جای دارند؛ و در طبقه دو روستاهای کرم‌اللهی، شترخفت، عزیزآباد، سرخانجوب علیا، زلیوار، گاوبازه، و نورمحمد زمانه با پایین‌ترین سطح کیفیت زندگی و رضایتمندی قرار می‌گیرند.

کلیدواژه‌ها: کیفیت زندگی، شاخص‌های عینی و ذهنی، توسعه روستایی، دهستان خاوه شمالی.

## مقدمه

کیفیت زندگی مفهوم جدیدی نیست. این مفهوم در فلسفه یونان نیز وجود داشته و ارسطو در مبحث شادکامی بدان اشاره کرده است. همچنین در دوران جدید کسانی چون کی‌یرکگارد<sup>۱</sup>، ژان پل سارتر<sup>۲</sup>، مازلو<sup>۳</sup> و دیگران در مباحث مربوط به حالات درونی اشخاص به آن توجه کرده‌اند. در علوم مختلف بنا بر ابعاد و ماهیت متفاوت این واژه، تعابیر متفاوتی برای کیفیت زندگی به کار رفته است. به عنوان مثال، اقتصاددانان مفهوم مطلوبیت را به جای کیفیت زندگی به کار می‌گیرند و یا روان‌شناسان از اصطلاح رضایتمندی یا شادکامی استفاده می‌کنند. هرچند که ارتقای کیفیت زندگی<sup>۴</sup> در مقیاس‌های فردی و اجتماعی از دیرباز مورد توجه برنامه‌ریزان بوده است، اما در دهه‌های اخیر با اولویت یافتن اهداف اجتماعی و تدوین آنها در قالب برنامه‌های توسعه، به تدریج نگرش انسانی و جامعه‌شناختی درباره کیفیت زندگی در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های کلان کشورهای پیشرفته راه یافته است. با گسترش رویکرد انسانی و ورود مفهوم کیفیت زندگی در پژوهش‌ها یا نوشتارهای توسعه پایدار، مراکز و مؤسسات بسیاری به مطالعه مفهوم کیفیت زندگی، شاخص‌های سنجش و چگونگی ارتقای آن پرداخته‌اند (امیدی، ۱۳۸۷، ۴). حیطه مربوط به کیفیت زندگی و سنجش آن چه بسا در هیچ زمانی به اندازه امروز وسیع نبوده است. در سه دهه گذشته تلاش‌های زیادی برای اندازه‌گیری کیفیت زندگی در نقاط مختلف دنیا صورت گرفته، و پژوهشگران مختلف، کارگزاری‌ها یا آژانس‌های دولتی، رسانه‌های گروهی و سایر سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی شاخص‌های گوناگونی را مطرح و پیشنهاد کرده‌اند، لیکن چنین می‌نماید که معایب و مزایای هر یک از این شاخص‌ها با روش معینی ارزیابی نشده است. اما می‌توان گفت که بسیاری از پژوهشگران، نیاز توأمان به هر دو دسته از شاخص‌های عینی و ذهنی را برای ارزیابی کیفیت زندگی خاطر نشان کرده‌اند. در این زمینه شاخص‌های عینی براساس فراوانی یا کمیت فیزیکی - مانند درآمد - اندازه‌گیری می‌شوند اما شاخص‌های ذهنی براساس پاسخ‌های روانی همچون رضایت شغلی و خوشحالی به صورت کیفی اندازه‌گیری می‌شوند (خوارزمی، ۱۳۸۳، ۴).

درواقع مناسب است که شاخص‌های عینی و ذهنی با هم ترکیب شوند، زیرا شاخص‌های ذهنی این اجازه را می‌دهند که بینشی از رضایت فرد و هر آنچه که برای مردم رضایت‌بخش است به دست آید؛ و شاخص‌های عینی نیز برای سنجش ابعادی از محیط که سنجش آنها مشکل است مناسب می‌نمایند (Kamp et al., 2003, 11). به عنوان مثال، به طور سنتی در گذشته‌ای نه چندان دور همواره از سرانه تولید ناخالص داخلی (GDP) به عنوان یگانه شاخص قابل اعتماد بهزیستی و توسعه اقتصادی استفاده می‌شد، اما در این خصوص وفاق گسترده‌ای وجود داشت که با افزایش تولید ناخالص داخلی الزاماً کیفیت زندگی مردم ارتقا پیدا نمی‌کند. حتی واکنش‌هایی نیز در دهه ۱۹۷۰ در برابر پیامدهای رشد اقتصادی شکل گرفت. بنابراین، به دلیل واکنش‌های رخ داده، و ضعف سنجش‌های مرتبط با درآمد، تلاش‌هایی برای مفهوم‌سازی جدید و شناسایی سنجش‌های جایگزین صورت گرفت.

1. Kerkegaard
2. Sarter
3. Maslow
4. Quality of life

در دهه ۱۹۶۰ آدلمن و در دهه ۱۹۷۰ موریس به بررسی معرف‌های اقتصادی - اجتماعی متعددی پرداختند. موریس در سال ۱۹۷۹ شاخص فیزیکی کیفیت زندگی<sup>۱</sup> را به عنوان جایگزین برای سرانه تولید ناخالص داخلی، به منظور سنجش کیفیت زندگی افراد مطرح کرد. شاخص فیزیکی زندگی شامل معرف‌های امید به زندگی در یک سالگی، نرخ یا درصد مرگ و میر نوزادان و درصد باسوادان می‌شد (خوارزمی، ۱۳۸۴، ۴).

به دنبال این تأکیدات، داسکوپتا و ویل در سال ۱۹۹۲ سنجه‌ای از کیفیت زندگی را ارائه دادند که به وسیله معرف‌های درآمد سرانه، امید به زندگی در زمان تولد، نرخ با سواد افراد بالغ و معرف‌های حقوقی - سیاسی مانند آزادی‌های مدنی مورد ارزیابی قرار می‌گرفت (اونق، ۱۳۸۴، ۳۰). به هر حال، در زمان حاضر یکی از معروف‌ترین سنجه‌های کیفیت زندگی، شاخص توسعه انسانی<sup>۲</sup> (HDI) است که سازمان ملل در گزارش‌های توسعه انسانی از سال ۱۹۹۰ به بعد از آن استفاده کرده است. شاخص توسعه انسانی به کمک سه معرف امید به زندگی در زمان تولد، موفقیت تحصیلی و سرانه واقعی تولید ناخالص داخلی را در کشورهای مختلف مورد ارزیابی قرار می‌دهد. سنجه دیگری نیز در سال ۱۹۹۸ به وسیله لارس ایسبرگ و اندریوشارپ تحت عنوان شاخص رفاه اقتصادی<sup>۳</sup> ارائه شده است. این شاخص به کمک معرف‌هایی چون جریان‌های مصرف، تراکم سهام، نابرابری در توزیع درآمد و ناامنی و بی‌اعتمادی در تأمین درآمدهای آینده، کیفیت زندگی مردم را مورد ارزیابی قرار می‌دهد (اونق، ۱۳۸۴، ۳۳). افرادی چون توحیدالرحمن و همکارانش ادعا می‌کنند که هیچ یک از سنجه‌های ارائه شده برای ارزیابی کیفیت زندگی، بعد محیطی کیفیت زندگی را نمی‌سنجد. افزون بر آن، وزن‌دهی متغیرها به صورت اختیاری انجام می‌شود و متغیرها سلیقه‌ای انتخاب می‌گردند (همان، ۳۵).

بدین ترتیب به نظر می‌رسد که توجه عملی به تحقیق در این عرصه، تعداد زیادی از رشته‌های علمی را - از جمله روان‌شناسی، پزشکی، اقتصاد، علوم اجتماعی و نظایر اینها - شامل می‌شود. ولی وجه مشترک این دیدگاه را می‌توان این گونه بیان کرد که کیفیت زندگی به عنوان اصطلاحی کلی، مفهومی برای نشان دادن چگونگی برآورده شدن نیازهای انسانی و نیز معیاری برای ادراک رضایت و عدم رضایت افراد و گروه‌ها از ابعاد مختلف زندگی است. به هر صورت هر یک از رشته‌های گوناگون علمی، بر جنبه‌های خاصی از کیفیت زندگی که اغلب با آن رشته تناسب دارد، تأکید کرده است و با برگزیدن ابزاری انعطاف‌پذیر برای سنجش کیفیت زندگی، تلاش دارد که در همه فرهنگ‌ها، زمان‌ها و مکان‌ها استفاده با کاربرد داشته باشد. با این حال باید اذعان کرد که کیفیت زندگی به شدت متأثر از زمان و مکان است و مؤلفه‌ها و عوامل تشکیل‌دهنده آن با توجه به دوره زمانی و مکان جغرافیایی می‌کند.

با توجه به آنچه ذکر شد، هدف اصلی این تحقیق تعیین شاخص‌ها، ارزیابی و سنجش ابعاد کیفیت زندگی در مراکز روستایی دهستان خاوه شمالی استان لرستان است تا مشخص گردد که آیا بین ابعاد کیفیت زندگی روستاهای دهستان خاوه شمالی تفاوت معناداری وجود دارد یا نه.

1. Physical Quality of Life Index (PQI)
2. Human Development Index (HDI)
3. Index of Economic Well-Being (IE WB)

## مبانی نظری

واژه کیفیت در لاتین (Qual) به معنی چیزی و چه و Quality به مفهوم چگونگی آمده و Qol از منظر واژگانی به معنی چگونگی زندگی و دربرگیرنده تفاوت‌های آن است که برای هر فرد، ویژه و یگانه، و متفاوت با دیگران است (کردزنگنه، ۱۳۸۵، ۲۰).

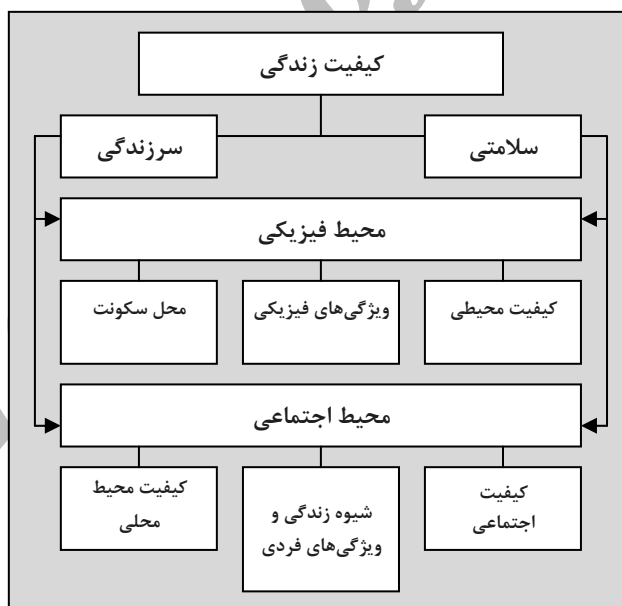
بر طبق گفته "فینویک، ناگلیر و برون (۱۹۹۶)"، کیفیت زندگی مفهومی اجتماعی است و خود معنایی واقعی ندارد بلکه صرفاً افراد به آن معنا می‌بخشند (Collados and Duane, 1999, 446). بر اساس برداشت کامپ و همکاران، مفهوم کیفیت زندگی به طور عمیقی از تفکر مرتبط با سلامت نشأت می‌گیرد و دیدگاه واحدی درباره علت آن وجود ندارد (Kamp et al., 2003, 9). بر اساس دیدگاه پال، کیفیت زندگی به عنوان معیاری برای سنجش میزان برآورده شدن نیازهای روحی - روانی و مادی جامعه تعریف گردیده و در این زمینه از کیفیت زندگی روستایی نیز به مفهوم چگونگی شرایط و وضعیت زندگی خانواده‌های روستایی یاد شده است (Pal and kumar, 2005, 18).

با توجه به آنچه که ذکر گردید، می‌توان گفت که در زمان حاضر اتفاق نظر چندانی در زمینه مفهوم کیفیت زندگی وجود ندارد، ولی اگر مشترکات این تعاریف مد نظر قرار گیرد، در آن صورت می‌توان گفت که کیفیت زندگی عبارت است از شرایط بهتر زندگی که در آن توازن، هماهنگی، مطلوبیت و برابری عادلانه نهادینه شده یا زمینه‌های لازم برای زندگی همراه با سلامت، امنیت، آسایش، آرامش، نشاط، خلاقیت و زیبایی پدید آمده باشد (یوسفی، ۱۳۸۱، ۱). به سخن دیگر، به‌رغم اختلاف نظرهایی که در تعریف کیفیت زندگی وجود دارد اما توافقی ادراکی نیز در بین متخصصان به چشم می‌خورد که بر مبنای آن بیشتر آنها کیفیت زندگی را مشتمل بر ابعاد مثبت و مفهومی چندبعدی می‌دانند. آنچه که در این ادراک مسلم به نظر می‌رسد، این است که تمامی مطالعات کیفیت زندگی تحت دو سرفصل - شاخص‌های عینی و شاخص‌های ذهنی - صورت می‌گیرند (Allen, Vogt and Cordes, 2002, 14). بنابراین یکی از مشخصات اصلی و بنیادین کیفیت زندگی، چندبعدی بودن آن است (کردزنگنه، ۱۳۸۵، ۳). بیشتر محققان و صاحب‌نظران این حوزه معتقدند که کیفیت زندگی دارای ابعاد فیزیکی، اجتماعی، روان‌شناختی، محیطی و اقتصادی است. در بعد فیزیکی، پرسش‌های مربوط به ابعاد جسمانی انسان - شامل، قدرت، انرژی و توانایی انجام فعالیت‌های روزمره - و خودمراقبتی و همچنین علائم بیماری مانند درد، مورد تفسیر و سنجش قرار می‌گیرند. در بعد اجتماعی، احساس بهتر بودن و کیفیت ارتباطات افراد با خانواده، دوستان، همکاران و اجتماع تبیین می‌شود. این در صورتی است که در بعد روان‌شناختی بیشتر نشانه‌های روانی شامل اضطراب، افسردگی، ترس و میزان محرومیت نسبی سنجیده می‌شود. در بعد محیطی، کیفیت محیط پیرامون زندگی بشر برای زیست مورد واکاوی قرار می‌گیرد؛ و در بعد اقتصادی مؤلفه‌هایی چون میزان رضایت از درآمد، نوع شغل و یا رضایت شغلی ارزیابی می‌شوند (دهداری، ۱۳۸۱، ۴۰). به نظر می‌رسد که هم‌سو با "ناگلیر"، که در سال ۱۹۹۶ تعدادی فرض مرتبط با کیفیت زندگی را به عنوان اصول راهنما برای روند مطالعه مسائل کیفیت زندگی - به شرحی که در ادامه می‌آید - می‌توان به مقدمه کیفیت زندگی که مقاله نیز آن را مبنا قرار داده است، نزدیک شد. فرض‌های یاد شده، اینها هستند:

۱- کیفیت زندگی مفهومی چندبعدی است؛

- ۲- هر فرد ماهیتی زیستی، اجتماعی و روانی دارد که در تعامل مستمر با محیط اوست؛
- ۳- کیفیت زندگی بر خاسته از پیچیدگی کنش متقابل شخص با محیط است؛
- ۴- ابعاد کیفیت زندگی همراه با توانایی یا عدم توانایی مردم، برای همه یکسان است؛ و
- ۵- اگرچه ابعاد اساسی کیفیت زندگی برای همگان یکسان است اما کیفیت زندگی با درجات مختلف در افراد گوناگون متفاوت است (Auh, 2005, 32).

با این معیارها، ضرورت دارد برای عملیاتی کردن مفهوم کیفیت زندگی، به طراحی شاخص‌های آن پرداخته شود. بر این مبنای، ریم در سال ۲۰۰۰ مدلی را به عنوان عناصر اساسی کیفیت زندگی، سلامتی و محیط زندگی مطابق شکل ۱ ارائه کرده است. در این مدل سلامتی و سرزندگی به موازات هم و به عنوان دو بعد اصلی کیفیت زندگی در نظر گرفته شده است. در این مدل، ترکیبی از ابعاد اندازه‌گیری شدنی و فضای و فیزیکی و اجتماعی از محیط و درک صحیح از آنها مورد بررسی قرار می‌گیرد. این درک فقط مرتبط با ویژگی‌های عینی از محیط نیست بلکه جنبه‌های شخصی و زمینه‌ای را نیز دربرمی‌گیرد. در این مدل نمی‌توان به طور صحیح مشخص کرد که چگونه عناصر مختلف با هم مرتبط‌اند، بلکه لایه‌هایی از موضوعات مختلف را که با هم نشان می‌دهد (Kemp et al., 2003, 12-15).

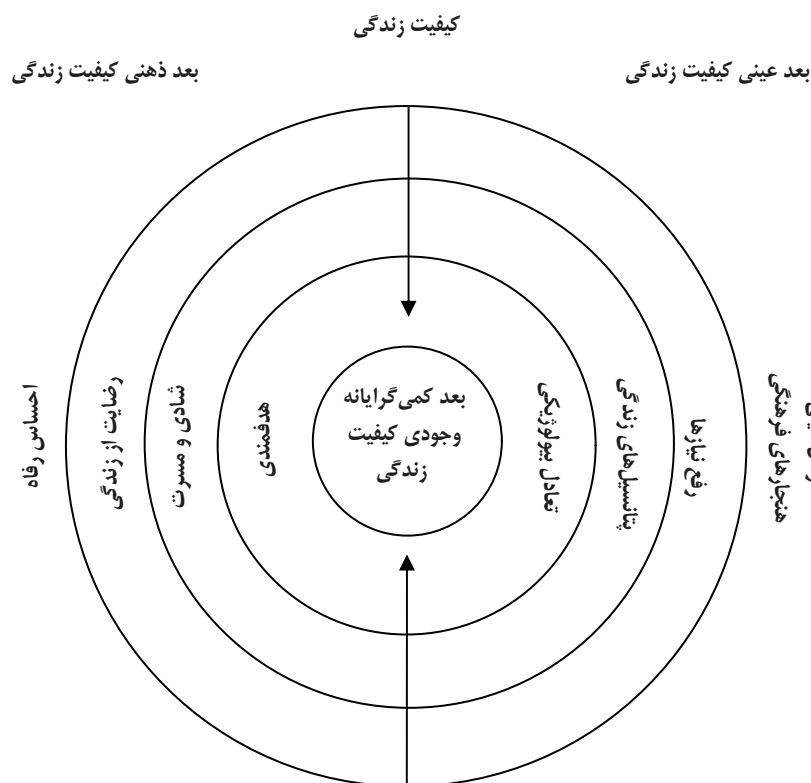


شکل ۱. عناصر اساسی کیفیت زندگی

منبع: Kemp et al., 2003

علاوه بر مدل ارائه شده به وسیله ریم در سال ۲۰۰۰ "وینگوتو" مدلی را به نام تئوری تلفیقی کیفیت زندگی در سال

۲۰۰۳، مطابق شکل ۲ ارائه کرد.



شکل ۲. مدل تلفیقی کیفیت زندگی

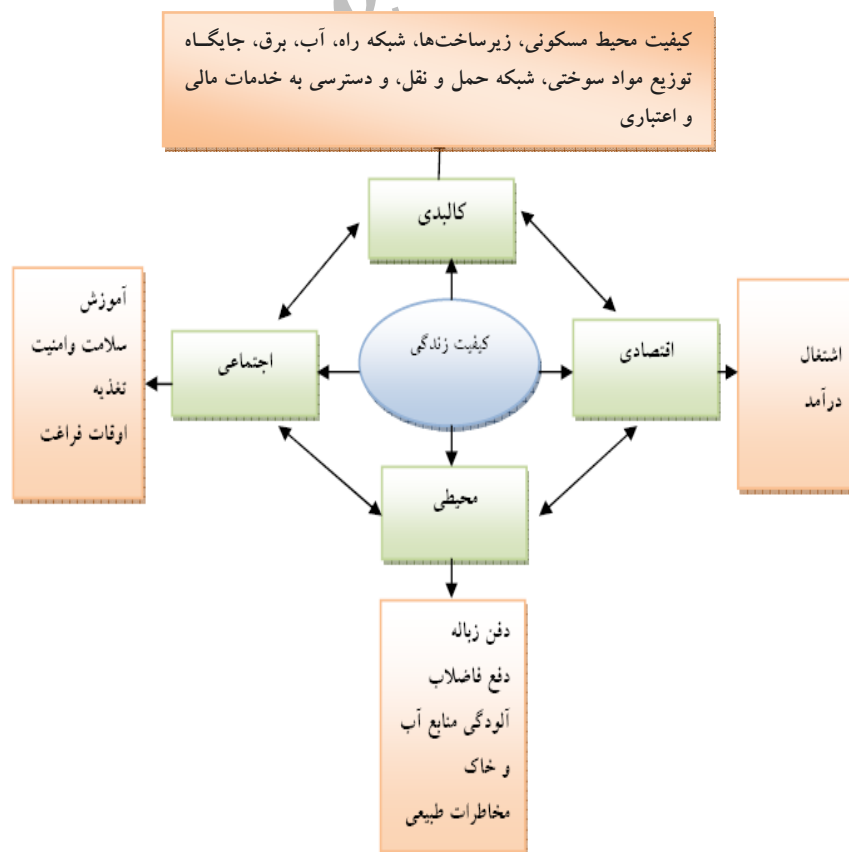
منبع: Ventgato, 2003

این مدل بیان می‌کند که ماهیت زندگی می‌تواند شامل طیفی از ذهنیات تا عینیات باشد که این طیف دربرگیرنده احساس رفاه، رضایت از زندگی، تعادل بیولوژیکی، درک توانایی‌های خود، تحقق نیازها و عوامل عینی از قبیل درآمد، وضعیت ازدواج و یا تحصیلات باشد. به طور کلی این مدل بیان می‌کند که کیفیت زندگی شامل سه بعد اساسی ذهنی، عینی، بعد وجودی - یا هستی‌گرایانه - است که هر یک در تعامل با دیگری است. بعد ذهنی کیفیت زندگی نشان‌دهنده چگونگی ارزیابی و احساس فرد در مورد زندگی است. در این بعد هر فرد چگونه زیستن خود و احساسش از زندگی را ارزیابی می‌کند. در بعد وجودی یا هستی‌گرایانه، چگونه خوب بودن زندگی هر فرد در سطحی عمیق‌تر بیان می‌شود. این بعد تناسب و توازن فردی را در سطحی عمیق‌تر منعکس می‌کند و در بعد عینی کیفیت زندگی این واقعیت که زندگی فرد چگونه به وسیله جهان خارج و محیط‌های اطراف درک و تفسیر می‌شود، تبیین می‌گردد. این ابعاد دارای هم‌پوشانی‌اند و بر اساس آنچه پیش‌تر بیان شد، می‌توانند در طیفی از ذهنیات تا عینیات دسته‌بندی گردند. در این مدل احساس رفاه مهم‌ترین جنبه ذهنی کیفیت زندگی است. کیفیت زندگی در اینجا به معنای ارزیابی شخص از زندگی خود است. رضایت از زندگی نیز در این مدل به معنای احساس کردن زندگی، به گونه‌ای است که باید باشد. هنگامی که آرزوها و نیازهای افراد به وسیله محیط اطراف برآورده می‌شود، فرد راضی است. مسرت و شادی نیز مفهومی انتزاعی است. شادی فقط به معنای سرزنده بودن و خرسندی نیست بلکه احساس ویژه‌ای است که فقط فرد در درون خود درک می‌کند. در مورد هدفمندی، باید اذعان کرد که پرسش‌هایی محدود در این زمینه مطرح بوده‌اند، زیرا درک معنای دقیق زندگی تا حدود زیادی بستگی به وضعیت انسان دارد و عده کمی از افراد به این گونه پرسش‌ها پاسخ می‌دهند.

در مفهوم تعادل بیولوژیکی به عنوان وجهی از کیفیت زندگی، پرسش‌هایی دربارهٔ بنیاد نهادهای بیولوژیکی مرتبط با انسان مطرح است. از این دیدگاه، سلامت جسمانی فرد منعکس‌کننده وضعیت سیستم بیولوژیکی است که در آن سلول‌های بدن نیاز به اطلاعات دقیق و موشکافانه برای حفظ سلامتی دارند. در این مدل همچنین درک پتانسیل‌های زندگی از مفاهیم تعیین‌کننده و محوری کیفیت زندگی است. افراد از این پتانسیل‌ها برای فعالیت‌ها، ارتباطات اجتماعی و کار استفاده می‌کنند. مفهوم نیاز و تحقق آن در این مدل جایگاه ویژه و شاخصی دارد. نیازها به طور معمول با کیفیت زندگی مرتبط‌اند و بدیهی است هنگامی که نیازهای افراد برآورده گردد، کیفیت زندگی آنها بالا ارزیابی می‌شود. در مدل پیشنهادی وینگوتو، جنبه‌های عینی کیفیت زندگی با عوامل خارجی سروکار می‌یابند. این عوامل عبارت‌اند از: درآمد، وضعیت ازدواج، وضعیت سلامتی و ارتباطات اجتماعی.

عوامل عینی کیفیت زندگی دقیقاً فرهنگی هستند. به طور کلی باتوجه به مدل تلفیقی کیفیت زندگی می‌توان گفت که احساس رفاه و عوامل عینی عمدتاً سطحی‌اند، به این علت که با توانایی افراد برای پذیرش ارزش‌های فرهنگی ارتباط دارند، در صورتی که ابعاد رضایت از زندگی و تحقق نیازها مرتبط با جنبه‌های عمیق کیفیت زندگی است (Ventgato, 2003, 1030-1040). با این توصیف و بر اساس توصیف کامپ و مدل ریم، دو پرسش در قالب مدل مفهومی کیفیت زندگی (شکل ۳) مطرح می‌گردد.

- ۱- آیا مناطق روستایی دهستان خاوه شمالی کیفیت زندگی مطلوبی دارند؟
- ۲- آیا تفاوت معناداری بین کیفیت زندگی در روستاهای دهستان خاوه شمالی وجود دارد؟



شکل ۳. مدل مفهومی کیفیت زندگی

بر مبنای چارچوب نظری و مدل مفهومی تحقیق در این مطالعه، به منظور عملیاتی کردن متغیرها، به طرح گویه‌های با طیف لیکرت در مورد هر یک از متغیرها پرداخته شده است. بر این اساس تلاش گردیده است تا گویه‌های مورد نظر به گونه‌ای طراحی شوند که تا ضمن تأمین روایی و پایایی لازم به لحاظ آماری، دیدگاه‌های کارشناسان را نیز مورد توجه قرار دهند تا به بهترین نحو پاسخ لازم را برای پرسش‌ها فراهم سازند. جدول ۱ گویه‌ها و تعداد آنان را برای سنجش هر یک از ابعاد کیفیت زندگی نشان می‌دهد.

جدول ۱. تعریف عملیاتی متغیرهای نظری

تعداد گویه	گویه‌ها	متغیرها	ابعاد کیفیت زندگی
۴	دارا بودن مدارس نوساز و با کیفیت مناسب، دسترسی آسان با زمان کم کودکان و نوجوانان به مدارس، داشتن معلمان خوب و با تجربه، وجود تجهیزات آزمایشگاهی مناسب در مدارس.	کیفیت آموزش	بعد اجتماعی
۶	مصرف هفتگی مواد پروتئینی (گوشت و ماهی) در برنامه غذایی، مصرف هفتگی میوه و سبزیجات در برنامه غذایی، بهره‌مندی از خدمات درمانی و بهداشتی (خانه بهداشت، درمانگاه، حمام، و مانند اینها)، دسترسی به پاسگاه پلیس در لحظات اضطراری، وجود اتحاد و انسجام و عدم نزاع و کشمکش میان ساکنان.	کیفیت سلامت و امنیت	
۵	وجود امکانات مناسب ورزشی در روستا، وجود امکانات مناسب فرهنگی و هنری (کتابخانه) در روستا، توان انجام مسافرت سالانه به همراه خانواده.	کیفیت اوقات فراغت	بعد کالبدی
۷	وجود خانه‌های نوساز و بادوام و با کیفیت مناسب، وجود تسهیلات مناسب در واحدهای مسکونی (سیستم گرمایشی، سیستم سرمایشی، سرویس بهداشتی، حمام)، به‌کارگیری مواد و مصالح مقاوم در ساخت واحدهای مسکونی، وجود نورگیری و روشنایی کافی در خانه‌ها.	کیفیت محیط مسکونی	
۷	راه ارتباطی مناسب، دسترسی به وسایل حمل و نقل مناسب، طی کردن فاصله زمانی محدود برای دسترسی به شهر، بهره‌مندی از آب آشامیدنی سالم، وجود جایگاه توزیع مواد سوختی، دسترسی به خدمات مالی و اعتباری (بانک، وام، صندوق قرض‌الحسنه).	کیفیت زیرساخت‌ها	
۷	وجود جایگاه‌های دفن زباله، استفاده از روش‌های بهداشتی جمع‌آوری و دفع فاضلاب، پرهیز از ساخت خانه‌ها در اراضی شیب‌دار و خطرناک، پرهیز از استقرار واحدهای مسکونی در حریم سیلاب‌ها و رودخانه‌ها، اتلاف و آلودگی منابع آب، تخریب و فرسایش خاک.	کیفیت محیطی	بعد محیطی
۵	رضایت از درآمد، امید به آینده شغلی، رضایت شغلی، داشتن سلامتی جسمانی برای انجام فعالیت، داشتن پس‌انداز مناسب.	کیفیت اشتغال و درآمد	بعد اقتصادی
۴۱	کل		





برای ارزشیابی کیفیت زندگی در نظر گرفته شده است. به عنوان مثال، برای محاسبه حد متوسط مؤلفه آموزش که دارای چهار گویه در طیف ۵ ارزشی است، حد متوسط نمره‌ها ۱۲ در نظر گرفته شده است. بدیهی است با توجه به جهت هر یک از گویه‌ها، نمره‌های بالاتر از حد متوسط شرایط مناسب‌تر کیفیت زندگی را نشان می‌دهند. همچنین به منظور پاسخگویی به پرسش دوم، از تحلیل واریانس یک‌طرفه با فرض نرمال بودن و برابری واریانس‌ها برای مقایسه ابعاد کیفیت زندگی در سطح روستاهای نمونه بهره گرفته شده است.

جدول ۲. روستاهای مورد مطالعه دهستان خاوه شمالی

نام روستا	تعداد خانوار	جمعیت	تعداد نمونه
کفراج	۳۰۸	۱۳۷۷	۱۵
سراب غضنفر	۴۲۴	۱۸۷۴	۱۵
ایرانشاهی	۳۳۷	۱۴۱۸	۱۵
شتر خفت	۱۶۲	۷۰۳	۱۵
کرم الهی	۴۶	۶۰۰	۱۵
سرخانچوب سفلی	۴۱	۲۱۴	۱۵
گاو بازه	۱۳۹	۶۷۵	۱۵
عزیز اباد	۱۱۵	۱۴۰	۱۵
نور محمد زمانه	۴۵	۲۲۵	۱۵
زلیوار	۱۱۴	۵۱۸	۱۵
جمع	۱۷۳۹	۶۷۴۳	۱۵۰

## بحث و یافته‌ها

- بررسی‌های توصیفی از بین ۹۵/۳ درصد پاسخگویان مرد و ۴/۷ درصد زن، نشان می‌دهد که از مجموع آنها ۶۳ نفر فاقد سواد، ۴۹ نفر دارای سواد خواندن و نوشتن، ۲۰ نفر دارای سیکل، ۸ نفر دارای دیپلم و ۱۰ نفر فوق دیپلم و بالاتر بوده‌اند. ۱۸ نفر از پاسخگویان دارای شغل دائم، ۱۱۰ نفر دارای شغل فصلی و ۱۹ نفر دارای مشاغل روزمزدی بوده‌اند. بررسی سنی جامعه نمونه نیز می‌بین آن است که ۵۷ نفر از پاسخگویان کمتر از ۴۰ سال، ۶۴ نفر بین ۴۰ تا ۶۰ سال و ۲۹ نفر بیشتر از ۶۰ سال داشته‌اند.
- همان‌طور که جدول ۳ نشان می‌دهد، در کلیه مؤلفه‌ها، شرایط کیفیت زندگی جامعه نمونه (سلامت و امنیت، زیرساخت‌ها، اوقات فراغت) در حد متوسط و کمتر از این حد ارزیابی شده است. در این میان نامناسب‌ترین شرایط را می‌توان در ابعاد محیطی و اقتصادی مشاهده کرد، به طوری که آماره  $t$  محاسبه شده انحراف فراوانی را از حد متوسط نشان می‌دهد. این بدان معناست که گویه‌های مبنایی محیطی و اقتصادی مانند وجود جایگاه دفن زباله، استفاده از روش‌های بهداشتی جمع‌آوری و دفع فاضلاب، پرهیز از ساخت خانه‌ها در اراضی شیب‌دار و خطرناک، عدم استقرار واحدهای مسکونی در حریم سیلاب‌ها و رودخانه‌ها، اتلاف و آلودگی منابع آب، تخریب و فرسایش خاک، رضایت از درآمد، امید به آینده شغلی، رضایت شغلی، داشتن سلامتی جسمانی برای انجام فعالیت و داشتن پس‌انداز مناسب، و نیز داشتن خانه‌های نوساز و بادوام و با کیفیت مطلوب، وجود

تسهیلات مناسب در واحدهای مسکونی (سیستم گرمایشی، سیستم سرمایشی، سرویس بهداشتی، حمام)، به کارگیری مواد و مصالح مقاوم در ساخت واحدهای مسکونی، و نورگیری و روشنایی کافی در مسکن‌ها، نشان از وضعیت بسیار نامطلوبی دارند.

جدول ۳. سطح معناداری ارزیابی ساکنان از ابعاد و مؤلفه‌های کیفیت زندگی

Test value (حد متوسط)	سطح معناداری	میانگین	آماره T	مؤلفه	ابعاد
۱۲	۰/۰۲۲	۱۱/۰۰	-۲/۳۱۸	آموزش	اجتماعی
۱۸	۰/۴۳۴	۱۸/۲۴۰	۰/۷۸۵	سلامت و امنیت	
۱۵	۰/۴۷۰	۱۴/۷۸۶	-۰/۷۲۴	اوقات فراغت	
۲۱	۰/۰۰۰	۱۸/۲۴۰	-۸/۵۷۹	محیط مسکونی	کالبدی
۲۱	۱/۰۰۰	۲۱	۰/۰۰۰	زیرساخت‌ها	
۱۵	۰/۰۰۰	۹/۳۶۶	-۱۱/۸۰۴	درآمد و اشتغال	اقتصادی
۲۱	۰/۰۰۰	۱۷/۴۱۳	-۱۳/۸۸۹	کیفیت محیطی	محیطی

- بر اساس مقایسه تطبیقی روستاهای نمونه، همان‌گونه که جدول ۴ نشان می‌دهد، می‌توان پذیرفت که در روستاهای دهستان خاوه شمالی، صرف‌نظر از بعد اقتصادی که از این لحاظ شرایط مشابهی میان روستاهای نمونه حاکم است، در سایر ابعاد تفاوت معناداری مشاهده می‌شود.

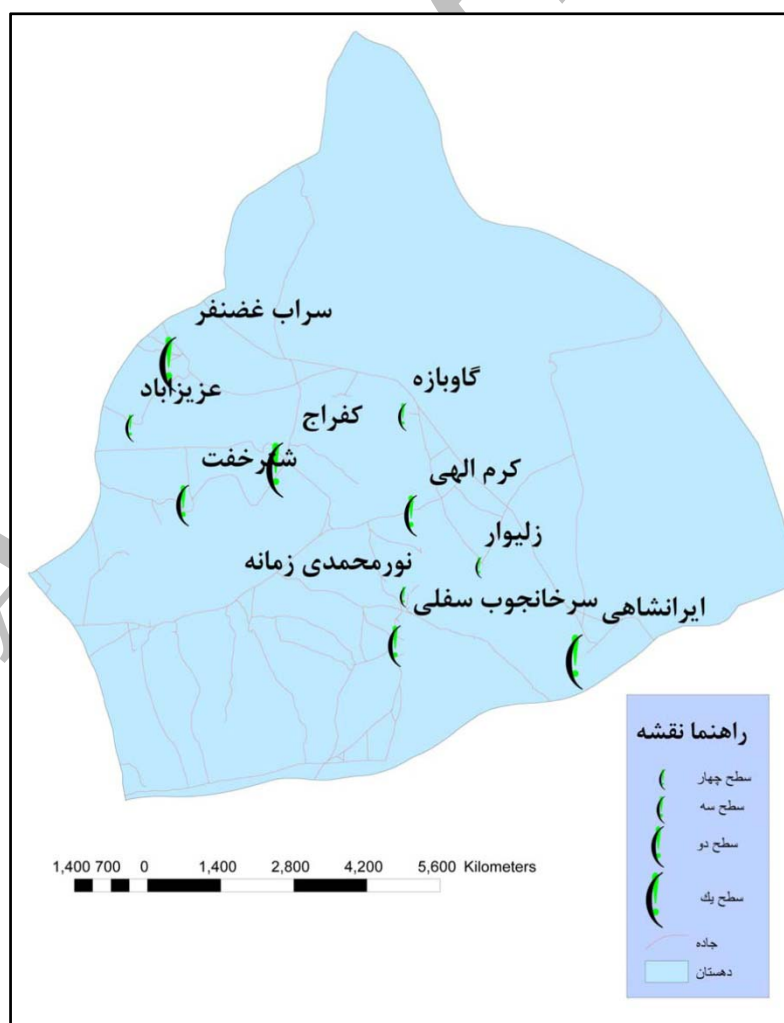
جدول ۴. تحلیل واریانس تفاوت ابعاد کیفیت زندگی

میانگین مجذورات		جمع مجذورات		سطح معناداری	ابعاد
بین گروهی	درون گروهی	بین گروهی	درون گروهی		
۵۹۰/۶۳۳	۲۴/۲۹۸	۵۳۱۵/۶۹۹	۳۴۰۱/۶۶۱	۰/۰۰۰	کالبدی
۲۸/۸۲۵	۸/۷۹۳	۲۵۹/۴۲۲	۱۲۳۰/۸۵۲	۰/۰۰۱	محیطی
۱۱۹/۰۸۳	۱۴۵۵/۷۵۰	۱۳/۲۳۱	۱۰/۳۹۸	۰/۲۵۷	اقتصادی
۲۵۴۵/۵۱۲	۴۱۸۷/۴۲۸	۲۸۲/۸۲۳	۲۹/۹۱۰	۰/۰۰۰	اجتماعی
۱۹۳۶۵/۱۷۲	۱۵۹۷۷/۸۲۸	۲۱۵۰/۶۸۶	۱۱۴/۱۲۷	۰/۰۰۰	کل ابعاد

- براساس آزمون توکی، همان‌گونه که جداول ۵، ۶، ۷ و ۸ نشان می‌دهند، به لحاظ کیفیت زندگی در بعد کالبدی ۴ طبقه، از لحاظ محیطی ۲ طبقه، اقتصادی ۱ طبقه، و اجتماعی ۴ طبقه را می‌توان شناسایی کرد. سطوح طبقه‌بندی کیفیت زندگی در روستاهای نمونه در شکل‌های ۵، ۶، ۷ و ۸ و سطح کلی کیفیت زندگی با سه طبقه در شکل شماره ۹ نشان داده شده‌اند.

جدول ۵. طبقه‌بندی روستاهای نمونه بر اساس کیفیت کالبدی

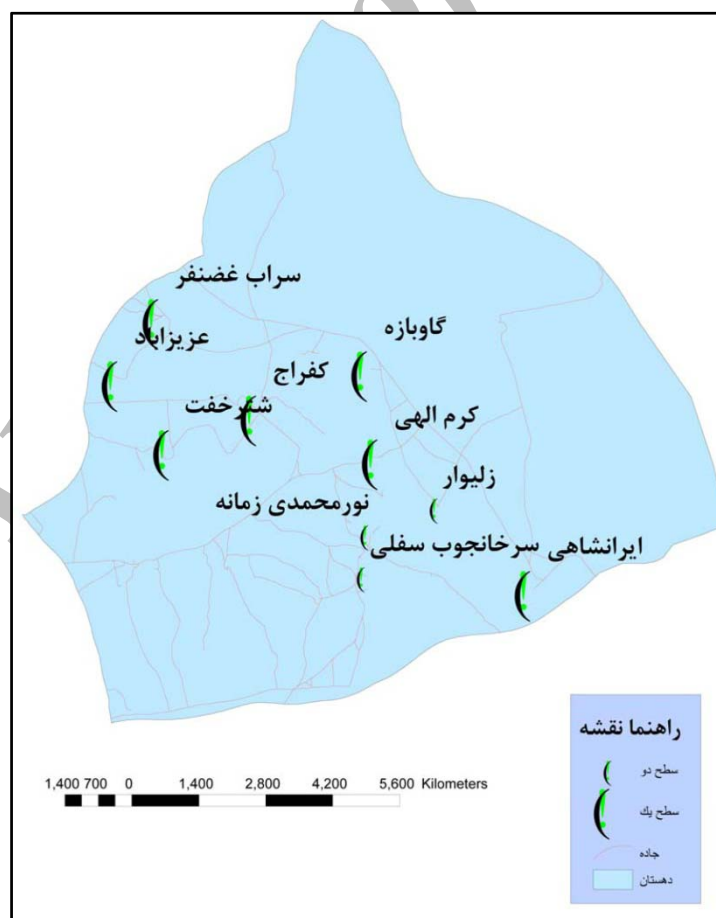
معناداری طبقات در سطح آلفا ۰/۰۵				روستا
۴	۳	۲	۱	
			۴۹/۷۱۴۳	کفراج
			۴۸/۰۶۲۵	سراب غضنفر
			۴۴/۸۶۶۷	ایرانشاهی
		۳۸/۴۶۶۷		شترخفت
		۳۸/۳۳۳۳		کرم‌اللهی
	۳۷/۷۳۳			سرخانجوب سفلی
۳۶/۱۳۳۳				گاو بازه
۳۵/۵۳۳۳				عزیزآباد
۳۲/۳۳۳۳				نورمحمد زمانه
۳۱/۳۳۳۳				زلیوار



شکل ۵. سطح‌بندی کیفیت کالبدی دهستان خاوه شمالی

جدول ۶. طبقه‌بندی روستاهای نمونه بر اساس کیفیت محیطی

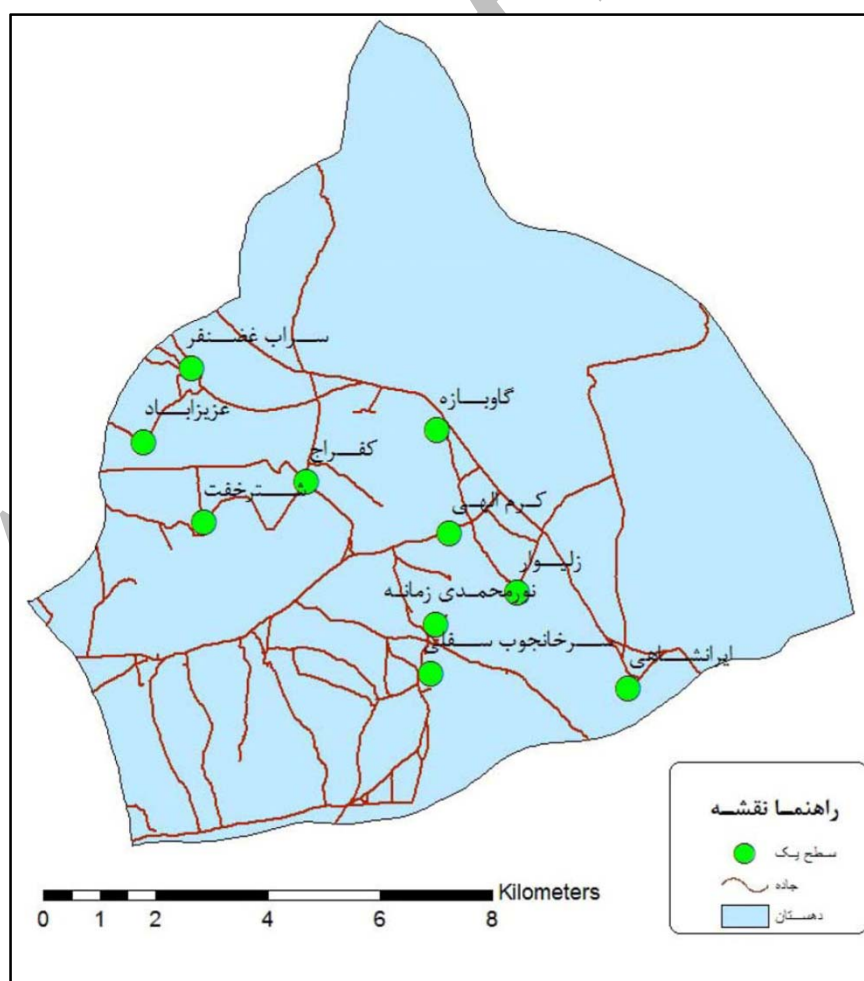
معناداری طبقات در سطح آلفا ۰/۰۵		روستا
۲	۱	
	۲۰/۱۸۷۵	سراب غضنفر
	۱۷/۹۳۳۳	عزیزآباد
	۱۷/۹۳۳۳	کرم‌اللهی
	۱۷/۸۵۷۱	کفراج
	۱۷/۸۰۰	شترخفت
	۱۷/۶۰۰۰	ایرانشاهی
	۱۷/۱۳۳۳	گاوبازه
۱۶/۵۳۳۳		زلیوار
۱۵/۵۳۳۳		سرخانچوب سفلی
۱۵/۴۶۶۷		نورمحمد زمانه



شکل ۶. سطح‌بندی کیفیت محیطی دهستان خاوه شمالی

جدول ۷. طبقه‌بندی روستاهای نمونه بر اساس کیفیت اقتصادی

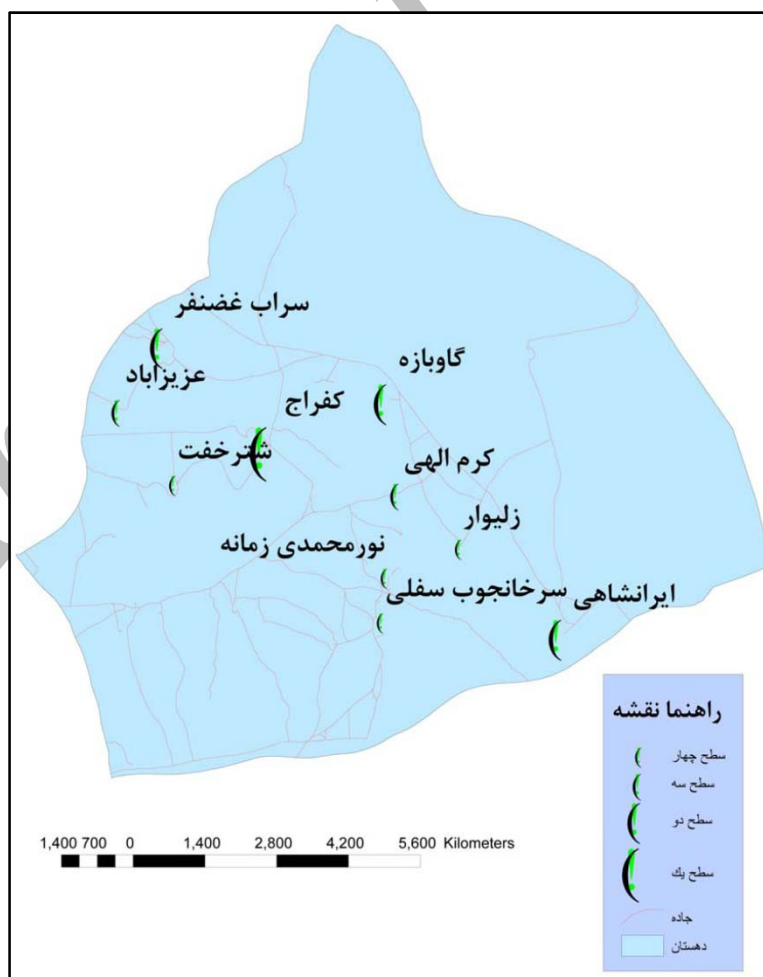
معناداری طبقات در سطح آلفا ۰/۰۵	روستا
۱	
۱۰/۱۲۵	سراب غضنفر
۹/۴۰۰	عزیزآباد
۷/۸۶۶	کرم‌اللهی
۱۱/۰۰۰	کفراج
۸/۸۸۶	شترخفت
۱۰/۴۰۰	ایرانشاهی
۹/۴۴۶	گاو بازه
۹/۴۰۰	زلیوار
۸/۸۰۰	سرخانجوب سفلی
۸/۴۰۰۰	نورمحمدی زمانه



شکل ۷. سطح‌بندی کیفیت اقتصادی دهستان خاوه شمالی

جدول ۸. طبقه‌بندی روستاهای نمونه بر اساس کیفیت اجتماعی

معناداری طبقات در سطح آلفا ۰/۰۵				روستا
۴	۳	۲	۱	
			۵۳/۷۱۴۳	کفراج
		۴۹/۸۱۲۵		سراب غضنفر
		۴۷/۶۰۰۰		ایرانشاهی
		۴۷/۲۰۰۰		گاو بازه
	۴۳/۶۰۰۰			عزیزآباد
	۴۳/۱۳۳۳			کرم‌اللهی
۴۱/۸۰۰۰				سرخانجوب علیا
۴۱/۶۰۰۰				شترخفت
۴۰/۸۰۰۰				زلیوار
۴۰/۸۰۰۰				نورمحمد زمانه

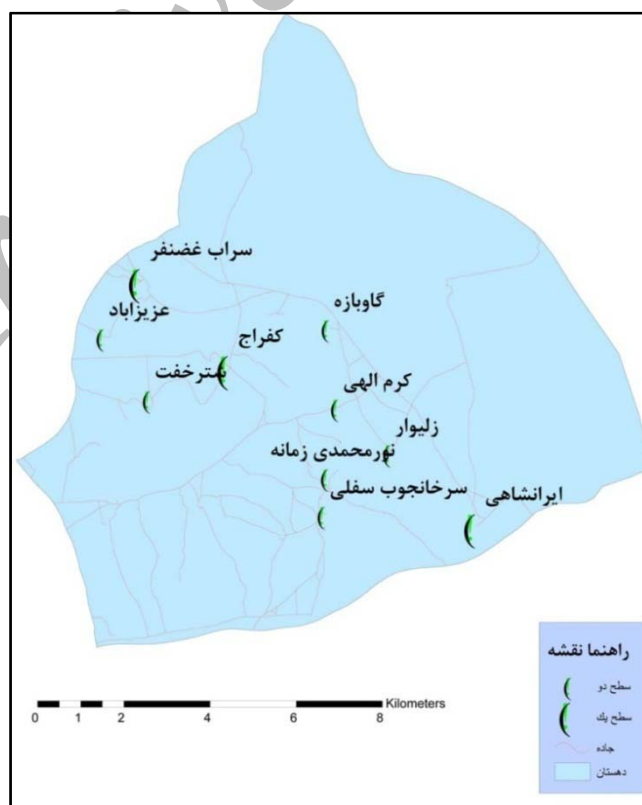


شکل ۸. سطح‌بندی کیفیت اجتماعی دهستان خاوه شمالی

- با در نظر گرفتن تمامی ابعاد کیفیت زندگی، نتایج جدول ۹ نشان می‌دهد که روستاهای دهستان خاوه شمالی را می‌توان در سه طبقه گروه‌بندی کرد. روستاهای کفراج و سراب غضنفر در طبقه ۱ یعنی روستاهای دارای بالاترین سطح کیفیت زندگی جای دارند، روستای ایرانشاهی در طبقه ۲ و روستاهای کرم‌اللهی، شترخفت، عزیزآباد، سرخانجوب علیا، زلیوار، گاوبازه و نورمحمد زمانه در در طبقه ۳ با کمترین سطح کیفیت زندگی قرار گرفته‌اند.

جدول ۹. طبقه‌بندی کیفیت زندگی در روستاهای نمونه

معناداری طبقات در سطح آلفا ۰/۰۵			روستا
۳	۲	۱	
		۱۳۲/۳۹	کفراج
		۱۲۸/۱۹	سراب غضنفر
	۱۲۰/۴۷		ایرانشاهی
۱۰۹/۹۳			گاو بازه
۱۰۷/۲۷			کرم اللهی
۱۰۶/۷۳			شتر خفت
۱۰۶/۴۷			عزیز آباد
۱۰۳/۴۷			سرخانجوب سفلی
۹۸/۰۶			زلیوار
۹۷/۴۰۰			نور محمد زمانه



شکل ۹. سطح‌بندی کیفیت زندگی دهستان خاوه شمالی



همان‌طور که جدول ۱۰ نشان می‌دهد، تحلیل رابطه بین کیفیت زندگی و میزان جمعیت در سطح روستاهای مورد مطالعه، نشان از وجود رابطه مستقیم معنادار آماری در سطح آلفا ۰/۰۱ دارد، به طوری که با افزایش جمعیت شاخص کل کیفیت زندگی نیز افزایش می‌یابد. بدین ترتیب به نظر می‌رسد که میزان جمعیت روستایی عاملی تأثیرگذار بر سطح کیفیت زندگی در ابعاد اجتماعی و اقتصادی و محیطی در منطقه مورد مطالعه است.

جدول ۱۰. ضریب همبستگی بین جمعیت و شاخص کل کیفیت زندگی

مؤلفه‌ها	ارزش‌ها	شاخص کیفیت زندگی	میزان جمعیت
شاخص کیفیت زندگی	همبستگی پیرسن	۱	۰/۸۹۴(**)
	سطح معناداری	.	۰/۰۰۰
	تعداد	۱۰	۱۰
میزان جمعیت	همبستگی پیرسن	۰/۸۹۴(**)	۱
	سطح معناداری	۰/۰۰۰	.
	تعداد	۱۰	۱۰

\*\* Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).

## نتیجه‌گیری

در بیشتر جوامع صنعتی و در حال توسعه، طرح موضوعی به نام کیفیت زندگی، نشان‌دهنده دیدگاهی نو در نگرش موضوعات توسعه‌ای است. هدف کیفیت زندگی در نواحی روستایی، تثبیت جمعیت خانوارهای روستایی و دسترسی عادلانه آنها به زمین و منابع در روستاهاست. با این نگرش مقاله حاضر به هدف سنجش کیفیت زندگی در نواحی روستایی از دید جامعه نمونه صورت گرفته است، که یافته‌ها نشان می‌دهند متغیرهایی مانند کیفیت آموزش، کیفیت محیط مسکونی، کیفیت محیطی، کیفیت اشتغال و درآمد و کیفیت گذران اوقات فراغت، پایین‌تر از حد متوسط‌اند و متغیرهای کیفیت زیرساخت‌ها و کیفیت سلامت و امنیت در سطح متوسط ارزیابی شده‌اند.

یافته‌ها همچنین نشان می‌دهند که کیفیت آموزش به دلیل وجود مدارس دارای بافت فرسوده و حداقل تسهیلات لازم آموزشی - از جمله آزمایشگاه و سایر تجهیزات - و نیز پایین بودن سطح رضایت از نحوه تدریس معلمان بسیار پایین است. همچنین یافته‌های توصیفی نشان از آن دارند که کیفیت محیط مسکونی در جامعه نمونه، به دلیل وجود بافت قدیمی و فرسوده خانه‌ها و نیز فقدان تسهیلات مناسب از جمله سرویس‌های بهداشتی، سیستم گرمایشی - سرمایشی و حمام در سطح بسیار اندکی قرار دارد.

افزون بر اینها، یافته‌های تحقیق مبین پایین بودن سطح کیفیت اشتغال و درآمد است، به طوری که بیشتر جامعه نمونه از نوع شغل خود به جهت وجود مشکلاتی که در طول یک سال کاری با آن مواجه بوده که در نهایت درآمد و پس‌انداز ناچیزی را عاید آنها می‌سازد، احساس نارضایتی می‌کنند و به آینده و پیشرفت شغلی خود امیدوار نیستند. همچنین نتایج نشان می‌دهند که کیفیت محیطی در سطح روستاهای مورد مطالعه بسیار پایین است، به طوری که در

تمامی روستاها حتی مرکز دهستان هیچ گونه جایگاه دفن زباله و فضولات حیوانی و نیز روش‌های بهداشتی جمع‌آوری زباله و شبکه دفع فاضلاب وجود ندارد. این امر در فصول مختلف سال و به ویژه تابستان منجر به بروز مشکلات متعدد در روستاهای مورد مطالعه شده است. کیفیت گذران اوقات فراغت نیز به دلیل فقدان امکانات ورزشی و فرهنگی و هنری، از جمله کتابخانه عمومی، در سطح بسیار اندکی ارزیابی شده است.

دیگر این که یافته‌های تحقیق نشان‌دهنده آن‌اند که میان جامعه نمونه به لحاظ رضایتمندی از مؤلفه‌های مؤثر بر کیفیت زندگی (کیفیت کالبدی، کیفیت محیطی، کیفیت اجتماعی) به جز مؤلفه اقتصادی، تفاوت معناداری وجود دارد. بالاترین رضایتمندی جامعه نمونه به لحاظ کیفیت کالبدی، محیطی و اجتماعی متعلق به روستاهای کفراج به عنوان مرکز دهستان و روستاهای سراب غضنفر و ایرانشاهی است که بیشترین جمعیت را در میان روستاهای دهستان دارند. در مجموع ابعاد کیفیت زندگی به طور نسبی و در مقیاس محلی، می‌توان روستاهای دهستان خاوه شمالی را در سه طبقه رده‌بندی کرد. در طبقه یک روستاهای کفراج و سراب غضنفر با بیشترین سطح کیفیت زندگی، در طبقه دوم روستای ایرانشاهی با سطح کیفیت زندگی متوسط، و سایر روستاها در طبقه سوم با پایین‌ترین سطح کیفیت زندگی قرار گرفته‌اند. در واقع باید اذعان کرد که یافته‌های تحقیق، با فروض‌هایی که ناگلیر و ریم برای ارتقای کیفیت زندگی، چند بعدی بودن، تعادل با محیط با رویکرد کل‌نگر جزء الزامات ارتقای کیفیت زندگی مطرح کرده‌اند، هم‌سویی دارد.

## منابع

- Auh, S., 2005, **An Investigation of the Relationships between Quality of Life and Residential Environments among Rural Families**, A Dissertation Submitted to the Graduate Faculty in Partial of the Requirements of Degree of Doctor of Philosophy.
- Allen, J., Voget, R. and Cordes, S., 2002, **Quality of Life in Rural Nebraska: Trends and Changes**, Institute of Agriculture and Natural Resources.
- Bukenya, J., Gebremment, T. and Schaffer, P., 2003, **Analysis of Quality Rural Development: Evidence from West Virginia Data: Growth and Change**, Volume 34, No (2003), pp. 202-218.
- Bullock, S. J. R., 2004, **An Analysis of Technology Quality of Life in Rural West Texas Community**, A Dissertation in Agricultural Education Submitted to the Graduate Faculty of Texas Tech University in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Doctor of Education.
- Collados, C. and Duane, T., 1999, **Analysis Natural Capital Quality of Life: A Model for Evaluating the Sustainability of Alternative Regional Development Paths**, Ecological 30 (1999) 441-460.
- Dehdari, T., 2001, **The Affect of Health Education on Quality of Life of Open- heart Surgery Patients A Thesis Presented for the Master of Since Degree**, By Supervisor Dr. Alireza Itedarnia, University of Tarbeat Modares Faculty, of Physical Since.

- Esmit, D., 2002, **Quality of Life: Social Welfare, and Social Justice**, Translator by Hatami Nejad and Ardabile, Journal Information Political- economical, pp.185-186.
- Kamp Irene Van, Leidelmeijer Kees, Marsman Gooitske and Hollander Augustinus de, 2003, **Urban Environmental Quality and Human Well-being towards a Conceptual Framework and Demarcation of Concepts, a Literature Stud.** Landscape and Urban Planning 65(2003) 5-18.
- Kordzanganeh, J., 2006, **Study of Health Related Quality of Life in Aged People Who Were 60 or More, (A Case Study in Ramhormoz City).** A Thesis Presented for the Master of Science Degree, By supervisor Dr. Mohammad Mirzaie, University of Tehran Faculty of Social Science.
- Kharazmi. Sh., 2005, **Quality of Life and Digital Era Requirement of Iran**, Journal the Word of Economics, pp.2-4.
- Ventegots, M., Jovvj. N., 2003, **Quality of Life Theory: An Integrative Theory of the Global Quality of Life Concept**, The Scientific World Journal, 3:1030-1040.
- Pal, A. K., Kumar, U. C., 2005, **Quality of Life Concept for the Evaluation of Societal Development of Rural Community in West Bangal, India**, Rural Development, Volume xv, no 2.
- Ounagh, N., 2005, **The Expiation of Relation between Social Capital and Quality of Life (A Case Study in Gonbad Kavoos)**, A thesis Presented for the Master of Science Degree, By Supervisor Dr. Golamreza Ghaffary, University of Tehran Faculty of Social Science.
- Omide, R., 2008, **Quality of Life in Development Planning in Iran**, A thesis Presented for the Master of Science Degree, by Supervisor Dr. Golamreza Ghaffary, University of Tehran Faculty of Social Science.
- Yosefi, A., 2003, **Quality of Life and Reformation Strategies**, Journal Dehati, No. 28, pp: 1-4.